Central Topic

- احکام خلل در نماز مسائل سبعه
  - مسئله اول
    - الف: حکم تبدیل شدن شک به ظن بعد از تفکر
      - قاعده کلی:ظن حکم علم را دارد و باید ملتزم به حکم آن باشیم چه صحت باشد چه بطلان و چه زیادت باشد چه نقصان
      - مراد از التزام به حکم ظن چیست؟(و معنی البناء علیه فرضه واقعا) یعنی
        - در افعال و اجزاء نماز
          - ظن به فعل تعلق گرفته(غلبه فعل):بنا را بر وقوع می گذارد
          - ظن به عدم فعل یک جزء تعلق گرفته(غلبه عدم فعل)
            - در محل است(وارد رکن بعدی نشده):آن جزء را انجام می دهد
            - از محل عبور کرده:ظن حکم علم را دارد پس اگر رکن را ترک کرده نماز باطل است و اگر غیر رکن را ترک کرده نماز صحیح است و در صورت لزوم قضای جزء ترک شده و یا سجده سهو انجام دهد
        - در تعداد رکعات نماز
          - ظن به اقل تعلق گرفته:بنا را بر اقل می گذارد و نماز را کامل می کند
          - ظن به اکثر تعلق گرفت
            - در تعداد رکعات زیادتی واقع نشده:تشهد و سلام می دهد و نماز صحیح است مانند اینکه میان 4 و 5 ظن به 4 تعلق بگیرد
              - و لا فرق في البناء على الطرف الراجح بين الأوليين و غيرهما كما عليه المشهور بخلاف ابن إدريس فخصه في غير الأوليين
              - و لا بين الرباعية و غيرها كالثنائية و الثلاثية لإطلاق الأخبار التي تقدم الكلام فيها
            - در تعداد رکعات زیادتی واقع شده مانند اینکه بین 4 و 5 ظن به 5 تعلق گرفته و از رکوع هم عبور کرده:در این صورت نماز باطل است البته اگر بعد از رکعت چهارم به اندازه یک تشهد نشسته باشد نمازش صحیح است
              - ذهب الشيخ في التهذيب و العلامة في القواعد و المختلف و موضع من القواعد و المنتهى و المحقق في المعتبر و الشهيد في الألفية و الثاني في الروض و المسالك بل نسبه في المسالك إلى المتأخرين إلى صحة صلاته إذا زاد ركعة و قد جلس في آخر صلاته بمقدار التشهد الواجب لصحيح زرارة عن أبي جعفر عليه السلام: (عن رجل صلى خمسا فقال عليه السلام: إن كان قد جلس في الرابعة قدر التشهد فقد تمت صلاته) و مثلها غيرها.و ذهب المشهور خصوصا القدماء إلى أن زيادة الركعة مبطلة للصلاة لموثق زيد الشحام: (سألته عن الرجل يصلي العصر ست ركعات أو خمس ركعات، قال عليه السلام: إن استيقن أنه صلى خمسا أو ستا فليعد) و مثلها غيرها و الترجيح لهذه الطائفة بعد إعراض القدماء عن الطائفة الأولى و موافقتها لبعض العامة حيث حكي عن الثوري و أبي حنيفة ما يوافق مضمونها.-
    - ب:حکم فاصله شدن حدث بین اصل نماز و
      - نماز احتیاط
        - شهید اول و ابن ادریس و جماعتی دیگر: نماز صحیح است و باید وضو بگیرد و نماز احتیاط را انجام دهد
          - دلیل اول:چون نماز احتیاط نماز منفرد و مستقلی است
            - استدلال بر منفرد بودن نماز احتیاط: نماز احتیاط دارای نیت تکبیر و فاتحه است دارای نیت تکبیر و فاتحه نماز منفرد و مستقلی است پس نماز احتیاط نماز منفرد و مستقلی است
            - اشکال:نماز احتیاط جابر نقص محتمل است(چرا که مطابقت نماز احتیاط و نقص محتمل لازم است) جابر نقص محتمل جزء نماز است پس نماز احتیاط جزء نماز است
              - جواب:دلیل اعم از مدعاست چرا که جابریت اعم از جزئیت و بدلیت است به بیان دیگر کبرا را قبول نداریم اینکه هر جابر نقص محتمل جزء باشد چنین نیست چون شاید جابر باشد اما جزء نباشد بلکه بدل باشد
          - دلیل دوم:اصالة الصحة
            - شک در اجزاء و شرایط(شک در اقل و اکثر) منحل می شود به قدر متیقن و شک بدوی پس شک در اصل حکم داریم پس اصالة البرائه جاری می کنیم
        - مشهور:نماز باطل است
          - دلیل:چون نماز احتیاط نماز منفرد و مستقلی نیست
            - لظاهر قوله عليه السلام في خبر أبي بصير: (إذا لم تدر أربعا صليت أم ركعتين فقم و اركع ركعتين) «1» و الفاء للتعقيب، و هو ينافي تسويغ الحدث مما يكشف عن أنها جزء من الصلاة الأصلية
      - اجزاء فراموش شده
        - نماز صحیح است و باید وضو بگیرد و جزء فراموش شده را انجام دهد
          - دلیل:چون قضاء اجزاء عمل مستقلی است
            - استدلال بر مستقل بودن قضاء اجزاء از نماز:اگر قضاء اجزاء بر جزئیت محض(انجام جزء در محل خودش) خود باقی باشد آنگاه باید نماز باطل باشد(چرا بین این جزء و محل انجام آن رکن فاصله انداخته)نماز باطل نیست پس قضاء اجزاء بر جزئیت محض خود باقی نیست
            - لتمامية الصلاة بالتسليم، و الأجزاء المنسية خارجة عن الجزئية
        - نماز باطل است : ذهب إليه جماعة منهم العلامة في النهاية فتبطل الصلاة على الأقوى لأنها أجزاء صلاتيه فالحدث الواقع بينها و بين الصلاة واقع في أثناء الصلاة و هو يوجب البطلان .
    - ج:حکم یادآوری نقصان یا تمام بودن نماز بعد از نماز احتیاط
      - تمام بودن نماز بدون نماز احتیاط برای مصلی روشن شود
        - نماز صحیح است و نماز احتیاط نافله محسوب می شود به دلیل روایات
      - نقصان نماز بدون نماز احتیاط بر مصلی روشن شود
        - نماز صحیح است به دلیل روایات
  - مسئله دوم
    - فتوای جنب صدوق ره در شک بین 2و 4 حکم به بطلان است به دلیل استناد به روایتی مقطوعه ای مضمرة
      - مضمرة(روایتی که راوی نام کسی که روایت را از او نقل می کند را ذکر نکرده و برای نمونه در این بحث محمد بن مسلم قال سألته(از او پرسیدم)و روشن نیست از چه کسی
    - قول مشهور:بنا را بر اکثر گذاشته و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده می خوانیم
  - مسئله سوم
    - فتوای جناب صدوق ره در شک بین 2و 3 در نماز مغرب اگر تبدیل به ظن به رکعت سوم شود،دو رکعت نماز احتیاط نشسته است به دلیل عمل به روایتی که در مستند آن عمار ساباطی فطحی المذهب قرار دارد
      - فطحی المذهب یعنی کسانی که قائل به امامت فرزند (دیگر امام صادق علیه السلام(عبدالله بن جعفر الإفطح هستند
      - افطح در لغت به کسی اطلاق میشود که دارای سر و یا پاهای پهن باشد
    - قول مشهور:بنا بر نظر مشهور باید اخذ به ظن کرد بدون نماز احتیاط
  - مسئله چهارم
    - فتوای جناب ابن جنید و صدوق رحمة الله علیهما در شک بین 3 و 4 تخییر بین بناء بر اقل بدون نماز احتیاط و بناء بر اکثر همراه با یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته است
      - جمعا بين الأخبار الدالة على الاحتياط(بنارا بر اکثر بگذارد و نماز احتیاط بخواند) و بين رواية سهل بن اليسع عن الرضا عليه السلام أنه قال: «يبني على يقينه(بنابر یقینش که کمتر باشد یعنی 3 بگذارد)و يسجد للسهو».(
    - قول مشهور:بنا بر اکثر و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته است
      - و مستند المشهور موثق عمار عن أبي عبد الله عليه السلام: (كلما دخل عليك من الشك في صلاتك فاعمل على الأكثر قال: فإذا انصرف فأتم ما ظننت أنك نقصت) بالإضافة إلى جملة من النصوص الخاصة:منها: خبر عبد الرحمن بن سيابة و أبي العباس جميعا عن أبي عبد الله عليه السلام: (إذا لم تدر ثلاثا صليت أو أربعا و وقع رأيك على الثلاث فابن على الثلاث، و إن وقع رأيك على الأربع فسلّم و انصرف، و إن اعتدل وهمك فانصرف و صل ركعتين و أنت جالس)).
  - مسئله پنجم
    - فتوای جناب علی بن بابویه پدر صدوق رحمة الله علیهما در شک بین 2و 3 اگر ظن به 3 پیدا کند این است که باید یک رکعت دیگر بخواند و سپس یک رکعت نماز احتیاط بخواند و اگر ظن به 2 پیدا کرد بنا را بر دو گذاشته و در تمام رکعت های بعدی تشهد به جا آورد(سه تشهد) تشهد در رکعت دوم روشن است،تشهد در رکعت سوم چون ممکن است این رکعت رکعت چهارم باشد(اگر در واقع هنگام ظن به 2 رکعت سوم بوده باشد)و در رکعت چهارم نیز انجام تشهد روشن است و بعد از آن سجده سهو به جا آورد اگر هم شکش به ظن تبدیل نشد مخیر است بین بناء بر اقل و تشهد در تمامی رکعت ها و بناء بر اکثر و یک رکعت نماز احتیاط
      - شهید ثانی:و هذا القول مع ندوره لم نقف على مستنده
    - قول مشهور:در شک بین 2و 3 و تبدیل آن به ظن به 2 یا 3 اخذ به همان طرف مظنون است و در صورت استقرار شک بنا را بر اکثر گذاشته و یک رکعت نماز ایستاده یا دو رکعت نشسته می خواند
    - شهید ثانی:والتحقیق أن لا نص من الجانبین علی الخصوص،و العموم یدل علی المشهور
      - موثق عمار عن أبي عبد الله عليه السلام: (كلما دخل عليك من الشك في صلاتك فاعمل على الأكثر قال: فإذا انصرفت فأتم ما ظننت أنك قد نقصت).
  - مسئله ششم
    - لا حکم للسهو مع الکثرة
      - مراد از سهو در عبارت اعم از شک و سهو است
        - چون در شرع سهو در معنای شک و بالعکس استعمال می شود
        - مجازا سهو در در اعم از شک و سهو استعمال کرده ایم به دلیل تقارب دو معنا
      - لصحيح محمد بن مسلم عن أبي جعفر عليه السلام: (إذا كثر عليك السهو فامض على صلاتك فإنه يوشك أن يدعك، إنما هو من الشيطان و هذه مطلقة تشمل فيما لو كان الشك في الركعات أو الأفعال).
      - توضیح عبارت
        - کثیر الشک به شک خود اعتناء نکند
          - کثیر الشک در افعال به شک خود اعتناء نمی کند و بنا را بر فعل می گذارد حتی اگر در محل شک باشد
            - در صورت یادآوری نقصان
              - اگر رکن را ترک کرده نماز باطل است
              - غیر رکن را ترک کرده نماز باطل نیست
          - کثیر الشک در تعداد رکعات نماز بنا را بر اکثر می گذارد البته اگر اکثر بیش از تعداد رکعات نماز باشد بنا را بر رکعتی که مصحح نماز است می گذارد
        - کثیر السهو حکمش ساقط می شود
          - در صورت انجام ازدیاد یا نقصان مستلزم سجده سهو،سجده سهو ساقط می شود اما اجزائی که نیاز مند قضا هستند مانند تشهد قضای آنهاساقط نمی شود
      - ملاک کثرت شک یا سهو چیست؟
        - ملاک عرف است و با سه بار شک در یک نماز یا سه نماز کثیر الشک یا سهو حاصل می شود
          - پرسش:ملاک سه بار سهو در نماز واحد چیست؟ملاک فاصله شدن یادآوری بعد از سهو است نه به سهو در سه جزء بدون یادآوری
            - أن السهو المستمر و لو عن أفعال متعددة من دون تخلل الذكر له يسمى سهوا واحدا عند العرف.
          - پرسش:ملاک خرج از کثیر الشک و السهو چیست؟خروج از کثیر الشک و السهو به این است که در سه نماز شک یا سهو نداشته باشد(همان گونه که کثیر الشک شده از کثیر الشک بودن خارج می شود).
          - و المشهور على أن المرجع فيه العرف كما هو القاعدة في الألفاظ الواردة عن الشارع و ليس لها معنى شرعي فلا بد من حملها على المعنى العرفي.
            - عن ابن حمزة و الشيخ في المبسوط أن حده أن يسهو ثلاث مرات متواليات لصحيح محمد بن أبي عمير عن محمد بن أبي حمزة أن الصادق عليه السلام قال: (إذا كان الرجل ممن يسهو في كل ثلاث فهو ممن كثر عليه السهو و فيه: إنه ليس في مقام تحديد معنى الكثرة بل في مقام بيان أن كثير الشك يصدق على من لم تسلم له ثلاث صلوات إلا و قد وقع فيها شك).
    - لا حکم للسهو فی السهو
      - مراد از سهو اول نسیان و مراد از سهو دوم موجبات(به فتح جیم) سهو مانند نماز احتیاط یا سجده سهو است
      - توضیح عبارت:اگر در نماز احتیاط یا سجده سهو،سهوی اتفاق بیافتد و نماز گذار ذکر سجده سهو و یا قرائت در نماز احتیاط را فراموش کند سجده سهو بر او واجب نمی شود البته در نماز احتیاط اموری که قضا دارند را فراموش کند باید قضای آنرا بدون سجده سهو انجام دهد
        - اشتهر في ألسنة الفقهاء حتى نسب إلى جميعهم أنه لا سهو في السهو و الأصل فيه صحيح حفص البختري عن أبي عبد الله عليه السلام في حديث: (ليس على السهو سهو، و لا على الإعادة إعادة) «1» و مرسل يونس عن أبي (عبد الله عليه السلام: (لا سهو في سهو
      - نکته:ممکن است در عبارت مراد از سهو اول یا دوم،شک یا معنایی اعم از شک و سهو باشد که در این صورت عبارت معانی دیگر نیز پیدا می کند
    - لا حکم لسهو الإمام مع حفظ المأموم
      - مراد از سهو در عبارت شک است
        - حکمی نیست برای شک امام با حفظ مأموم و بالعکس
          - اگر یکی از امام و یا مأموم در تعداد رکعات نماز شک داشت و دیگری یقین یا ظن فرد شاک باید به دیگر مراجعه کند و همچنین است اگر یکی ظن داشته باشد و دیگری یقین
          - اگر امام و مأموم هر دو ظن دارند اما متعلق ظن آنها مختلف است(یکی به سه و دیگری به چهار ظن دارد)هر یک فرادا نماز را ادامه می دهند و به وظیفه خود عمل می کنند
          - در رجوع امام به مأموم عدالت ماموم شرط نیست
          - امام و ماموم نمی توانند هنگام شک به فرد ثالث رجوع کنند بلکه اگر قول فرد ثالث ظن آور باشد از باب ظن می توان به او رجوع کرد از باب مخبر بودن
        - امام و مامومی که هر دو شاک هستند
          - امام با مأموم واحد
            - متعلق شک آنها یکی است(مثلا هر دو شک 2 و 4 دارند).
              - به حکم شک عمل می کنند
            - متعلق شک آنها یکی نیست اما جامع مشترک دارند(مثلا یکی شک 2 و 3 و دیگری 3 و4 دارد).
              - جامع را می گیرند و طرف دیگر را رها می کنند
            - متعلق شک آنها یکی نیست و جامعی هم ندارند
              - هر یک نماز را فرادا کرده و به وظیفه خود عمل می کنند
          - امام و با مأمومین متعدد
            - امام و مأمومین جامع مشترک دارند
              - به جامع مراجعه می کنند
            - امام و مأمومین جامع مشترک ندارند
              - هر یک نماز را فرادا کرده و به وظیفه خود عمل می کنند
        - امام و مأمومینی که برخی از آنها شک داند و برخی یقین
          - امام به مأمومین دارای یقین مراجعه می کند و بقیه ماموم ها به امام مراجعه می کنند
        - نکته:اگر مراد از سهو در عبارت معنای سهو باشد در این صورت تنها سهو مأموم با سلامت امام معنا دارد(عکس عبارت نه طرد آن)آنهم بنا بر قول جماعتی مانند مصنف در ذکری عبارت صحیح است و معنای عبارت این می شود که سهو مأموم با سلامت امام حکمی ندارد یعنی نیازی به سجده سهو مأموم در صورت انجام فعل سهوی نیست بلکه اگر نیاز به قضای اجزاء باشد باید آنرا انجام دهد اما عکس آن صحیح نیست چرا که سهو امام با سلامت مأموم حکم دارد و امام باید در صورت سهو سجده سهوش را انجام دهد اما در اینجا یک نکته اختلافی هم هست که آیا در این صورت مأموم هم باید در سجده سهو از امام تبعیت کند یا خیر اگر چه احوط تبعیت است